

مرگ مشکوک پزشک در مطب

گروه حوادث/ همزمان با کشف جسد یک پزشک عمومی در مطبش تحقیقات جنایی برای رمزگشایی از این مرگ مشکوک آغاز شد. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، عصر شنبه گذشته مأموران کلانتری ۱۱۲ اوسعید در تماس با بازپرس کشیک قتل پایتخت از مرگ مشکوک پزشک جوان در مطبش خبر دادند.

به دنبال اعلام این خبر تحقیقات به دستور بازپرس شعبه سوم دادسرای امور جنایی تهران آغاز شد. بررسی‌های اولیه نشان می‌داد مرد جوان پزشک عمومی است اما کارهای زیبایی نیز انجام می‌دهد. منشی مطب که ماجرا را به پلیس خبر داده بود در تحقیقات گفت: دکتر شب‌ها در مطبش می‌خوابید. در حقیقت مطب هم محل کار دکتر بود و هم خانه اش. امروز ظهر به مطب آمدم اما از دکتر خبری نبود. شماره تلفن همراهش را گرفتم و صدای زنگ تلفنش از داخل مطب به گوش می‌رسید. فهمیدم که دکتر داخل مطب است، به جست و جوی او پرداختم اما با جسد دکتر داخل وان حمام مواجه شدم.

در تحقیقات اولیه متخصصان پزشکی قانونی نتوانستند علت مرگ را تشخیص دهند. بدین ترتیب به دستور بازپرس ساسان غلامی جسد برای مشخص شدن علت مرگ به پزشکی قانونی منتقل شد و تحقیقات در این خصوص ادامه دارد.

آتش در کشتی مسافری گناوه

گروه حوادث/ آتش گرفتن موتور کشتی مسافری «مهید» در مسیر گناوه به خارك بدون خسارت جانی مهار شد.

محمد قاسمی، معاون دریایی اداره کل بنادر و دریانوردی استان بوشهر به باشگاه خبرنگاران جوان گفت: شناور مسافربری مهید صبح یکشنبه ۲۵ آبان هنگام عزیمت از گناوه به سمت جزیره خارك پس از طی ۱۰ مایل، یکی از موتورهایش آتش گرفت. این شناور در مسیر متوقف شد و پس از مهار آتش، با کمک یدک‌کش «آزادی ۳» که از بندر گناوه اعزام شده بود، به این بندر بازگشت.

او با بیان اینکه این شناور ۸۸ مسافر و ۶ خدمه داشت، ادامه داد: به‌هیچ یک از مسافران و خدمه آسیب نرسیده است. پس از اعلام این حادثه شناورهای «ناجی ۹»، «ناجی ۲» و «هادی ۶» در کمک‌رسانی به این شناور و مهار آتش مشارکت داشتند. همچنین شناور «سوررویندر» در بندر گناوه به‌عنوان جایگزین مستقر شد و مسافران را به جزیره خارك منتقل کرد.

درگیری خونین بر سر مالکیت زمین

گروه حوادث/درگیری میان دو خانواده در یکی از روستاهای شهرستان ساری یک کشته و چهار زخمی بر جا گذاشت.

به گزارش ایرنا، این درگیری صبح یکشنبه در روستای «چالو» از توابع بخش کوهستانی چهاردانگه شهرستان ساری بر سر مالکیت مرتع و چرای دام رخ داد. بر اساس این گزارش، مالکیت بر سر مرتع و چرای دام عامل اصلی این درگیری بوده است که طی آن یک نفر بر اثر شلیک گلوله از سلاح شکاری بشدت زخمی شد و مصدومیت چهار نفر هم به خاطر درگیری فیزیکی بوده است.

مجروح حادثه به بیمارستان منتقل شد اما بر اثر شدت خونریزی جان باخت. اختلاف بر سر مالکیت این مرتع نیز در دستگاه قضایی دارای پرونده است.عباسعلی رضایی، فرماندار ساری نیز با تأیید خبر درگیری و کشته شدن یک نفر در این روستا اظهار کرد: اختلاف بر سر زمین منجر به درگیری و کشته شدن یک نفر شده است.

آتش سوزی در نملی ساختمان علاءالدین

گروه حوادث/ افتادن آتش سیگار در ضایعات باعث آتش سوزی جزئی در قسمت نمای طبقات بالایی ساختمان تجاری علاءالدین شد. سید جلال ملکی، سخنگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران در تشریح این خبر گفت: ساعت ۱۰:۱۵ صبح یکشنبه یک مورد حادثه مشاهده دود در مرکز تجاری در خیابان جمهوری تقاطع حافظ اعلام شد که بلافاصله سه ایستگاه آتش نشانی به همراه نردبان به محل اعزام شدند. آتش‌نشانان با نردبان هیدرولیکی بالا رفتند و مشاهده کردند که به علت افتادن سیگار یا یک شی مشتعل، ضایعات جزئی که بین نما و دیواره کناری بود، دچار آتش‌سوزی شده است. ملکی افزود: آتش‌نشانان به سرعت از همان بالا عملیات را آغاز کردند و آتش مختصری که وجود داشت، خاموش شد. این حادثه مصدوم و خسارت زیادی نداشت.

سوختن ۱۰ کرونایی در بیمارستان رومانی



آتش سوزی در بیمارستانی در رومانی جان ۱۰ بیمار کرونایی را گرفت.

به‌گزارش شبکه خبری بی‌بی‌سی، بنابر اعلام مقامات رومانی در پی وقوع حریق در یک بیمارستان که

محل بستری بیماران کرونایی بود حدود ۱۰ بیمار جان باختند و تعدادی نیز مجروح شدند.

گفته شده این آتش‌سوزی در بخش مراقبت‌های ویژه یک بیمارستان عمومی در شهر «پیاترا نئم» اتفاق افتاده است. یکی از پزشکان این بیمارستان که در تلاش برای نجات جان بیماران بوده دچار سوختگی شدید شده‌ واز وضعیت جسمی خوبی برخوردار نیست. وزیر بهداشت رومانی در مصاحبه با رسانه‌های محلی اظهار کرد به احتمال زیاد اتصال برق، عامل وقوع حریق بوده است.

همچنین دیگر بیماران کرونایی که در این بیمارستان تحت درمان بوده‌اند به دنبال وقوع این حادثه به بیمارستان دیگری منتقل شدند.

۶۷ کشته در طوفان فیلیپین



وقوع مرگبارترین طوفان سال در این کشور جان خود را از دست داده و ۱۲ نفر نیز ناپدید شده‌اند.

طوفان وامکو (Vamco) که با بارش شدید باران همراه بوده به جاری شدن سیلاب در جزیره لوزون منجر شده است.

همچنین بنابر اعلام مرکز ملی مدیریت بلایا در جریان وقوع این طوفان ۲۱ نفر مصدوم شده‌اند و نزدیک به ۲۶ هزار خانه بر اثر وقوع طوفان و سیل خسارت دیده‌اند. وقوع سیلاب سهمگین ناشی از تأثیرات اختلالات جوی در کنار طغیان آب سددها، زندگی هزاران خانواده را تحت تأثیر قرار داده و برخی از آنان را مجبور ساخته تا به پشت بام خانه‌های خود پناه ببرند.

بستنی مسموم

برای تسویه حساب با بدهکار

گروه حوادث/ مرجان همایونی: پیک

موتوری وقتی نتوانست طلبش را از پیرمرد مغازه دار بگیرد با بستنی مسموم به سراغ او رفت و مرگش را رقم زد. به گزارش «ایران»، چندی قبل مرد جوانی به پلیس رفت و از مسمومیت پدر ۷۲ ساله‌اش خبر داد. او گفت: پدرم فریبرز در یکی از محله‌های جنوبی تهران مغازه خواربارفروشی دارد. دیشب یکی از مغازه دارها با ما تماس گرفت و گفت پدرم بی‌هوش داخل مغازه‌اش افتاده است. بلافاصله خودمان را به مغازه پدرم رساندیم و او را به بیمارستان بردیم. از مغازه پدرم ۴ هزار تومان پول و گوشی تلفن همراه او نیز سرتقت شده بود.

عامل اسید پاشی مرگبار به برادر در انتظار محاکمه

گروه حوادث/ مرد میوه فروش که متهم است برادرش را با اسید سوزانده باعث مرگ وی شده است بزودی در دادگاه کیفری استان تهران محاکمه خواهد شد.

به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از تیر سال ۹۸ با شکایت زن جوانی از برادر شوهرش آغاز شد. وی در تشریح ماجرا به مأموران گفت: سال‌های زیادی بود که همسرم داریوش با برادرش سهراب اختلاف داشت تا اینکه حدود ۲۰ روز قبل با هم درگیر شدند و سهراب با اسید شوهرم را سوزاند او را در بیمارستان بستری کردند وقتی نه بیمارستان رفتم متوجه شدم قسمت عمده‌ای از پشت سر شوهرم سوخته و چند روز بعد هم او به‌سبب شدت جراحات وارده ناشی از سوختگی با اسید فوت کرد و حالا من مانده‌ام و یک بچه ۶ ساله.

اگر شوهرم زنده می‌ماند من هرگز شکایت نمی‌کردم چراکه اختلاف خانوادگی بود و به من ارتباطی پیدا نمی‌کرد اما حال من یک زن ۲۰ ساله‌ام که نه منبع درآمدی دارم و نه پشت و پناهی و خواهان مجازات عامل مرگ همسرم هستم.

پس از شکایت زن مقتول، سهراب بازداشت شد. اما او در بازجویی‌های اولیه منکر درگیری و اسیدپاشی شد و گفت که زن برادرش دروغ می‌گوید.

در ادامه تحقیقات پلیس به سراغ کسبه و شاهدان عینی رفت و آنها ادعا کردند روز حادثه شاهد درگیری سهراب و داریوش بوده‌اند ولی به چشم ندیده‌اند که اسید را

هیچ وقت تا این موقع شب مغازه‌اش را باز نمی‌گذاشت. وقتی داخل رفتم مغازه‌دارها، به صاحب یک مغازه بستنی فروشی رسیدند که سرخ اصلی را در اختیار مأموران قرار داد.

او به مأموران گفت: مدتی است که

مردی به‌نام اشکان با فریبرز کار می‌کند.

او پیک موتوری است و برای فریبرز

جنس می‌آورد و گاهی اوقات اجناسش

را جا به جا می‌کند. حتی چندین بار

دیده‌ام که شب‌ها پیرمرد را با موتورش

به خانه می‌رساند. شب حادثه اشکان

به مغازه آمد و بستنی خرید و به

داخل مغازه برد. او ادامه داد: اواخر

شب بود که داشتم مغازه را تعطیل

می‌کردم که دیدم چراغ مغازه فریبرز

همچنان روشن است. عجیب بود او



را در اطراف مغازه فریبرز دیده‌اند. بدین ترتیب مأموران راهی محل شده و اشکان را بازداشت کردند. وی در تحقیقات اولیه منکر ماجرا شد اما بازپرس جنایی دستور تحقیقات درباره علت اصلی مرگ پیرمرد و نقش اشکان در این ماجرا را صادر کرد.

گفت‌وگو با متهم

اعتماد داری؟

بله، ۱۷ سالی می‌شود که تریاک مصرف

می‌کنم و این اواخر هم شیشه مصرف

می‌کنم.

می‌خواستم ببینم چه اتفاقی برای

پیرمرد افتاده است. من قصد قتل او

را نداشتم.

بازداشت ۲ متهم

در پرونده پاساژ شهرک قدس

گروه حوادث/ سرپرست دادسرای جرایم پزشکی از بازداشت مدیر و متصدی واحد صنفی متخلف در پاساژ شهرک قدس خبر داد.

دکتر میران اسماعیلی به خبرگزاری صدا و سیما گفت: در پی اقدام قانون شکنانه یکی از واحدهای صنفی پاساژ در شهرک قدس در روز جمعه مبنی بر حراج کشش و حضور جمعیت بسیار زیاد که خلاف محدودیت‌های ایام کرونایی بود و شیوه نامه‌های بهداشتی در آن به طور کلی از بین رفته بود، صبح یکشنبه مدیر و متصدی واحد صنفی به دادسرای جرایم پزشکی احضار و با قرار تأمین بازداشت شدند.

وی گفت: این واحد صنفی با نصب بنر پلمب شد و البته وزارت بهداشت درخواست پلمب و تعطیلی کل پاساژ را داشت که به علت مشکلات اقتصادی تصمیم گرفتیم فقط با واحد صنفی متخلف برخورد قضایی صورت گیرد. سردار علی ذوالقدری، رئیس پلیس ششیم اما من اسید نریختم خودش اسید ریخت. با این حال متهم نتوانست توضیح دهد که اگر برادرش خودش اسید را پاشیده چطور اسید به پشت سر و کمر او ریخته است. وی همچنین در جواب این پرسش که چرا اسید خریده بود نیز گفت: من اسید را برای تمیز کردن لوله‌های مغازه‌ام خریده بودم بعد هم آن را داخل چاه ریختم.

پس از اظهارات متهم و اخذ آخرین دفاعیات او

کیفرخواست علیه متهم صادر و پرونده برای رسیدگی

به دادگاه کیفری استان تهران ارسال شد.

وی گفت: در پی انتشار کلیپی در فضای مجازی درباره حراج کیف و کفش و ازدحام جمعیت در مقابل واحدصنفی در یکی از پاساژهای غرب تهران، موضوع به‌صورت ویژه در دستور کار مأموران نظارت بر اماکن عمومی پلیس امنیت مشخص شد واحد صنفی موصوف بر خلاف دستورالعمل‌های ابلاغی ستاد مبارزه با کرونا با تبلیغ در فضای مجازی مبنی بر تخفیف کیف و کفش موجب ازدحام شهروندان در فضای بسته پاساژ



شده بود. این مقام ارشد انتظامی تصریح کرد: مأموران معاونت نظارت بر اماکن عمومی ضمن هماهنگی با مرجع قضایی به واحد صنفی مراجعه و با دستور قضایی آن را پلمب کردند. رئیس پلیس امنیت عمومی فاتب در پایان با اشاره به اینکه متصدی این واحد صنفی برای سیر مراحل قضایی به دادسرا معرفی شد. خاطرنشان کرد: شهروندان در صورت مشاهده این چنین تخلف‌هایی مراتب را بلافاصله از طریق سامانه ۱۱۰ یا پلیس در میان بگذارند.

درخواست پدرزن، زوج جوان را به دادگاه کشاند

به ساعتش و حلقه‌توی دستش کرد و با افسوس فراوان گفت بله، ولی خب من که مهریه نمی‌خواهم، ما زندگی خوبی داریم اما نمی‌توانم نسبت به کار پدرم اعتراض کنم. پدرم مرا به سختی بزرگ کرده بدون مادر، برای من سخت است که بخواهم روی حرفش حرف بزنم. این را به مهرداد روز اول عقدمان گفتم، حالا هم مهرداد اگر مرا دوست دارد باید مهریه را بدهد.

مهرداد رو به قاضی کرد و گفت جناب قاضی باور کنید آنقدر او سکوت می‌کند و حرفی نمی‌زند که من شک می‌کنم شاید خودش به پدرش می‌گوید این حرف‌ها را بزند، با تمام بی‌احترامی‌هایی که از سمت پدرش به من و خانواده‌ام شده اما به‌خاطر دوست داشتن او تمام حرف‌ها را تحمل‌ و سکوت کردم اما من هم خسته شدم، جناب قاضی مگر من چقدر توان دارم که صبوری کنم...

قاضی پس از چند دقیقه سکوت گفت: نیاز به توضیح بیشتر نیست ماجرا را فهمیدم یک جلسه دیگر برایتان می‌گذارم، به پدرت هم بگو حتماً بیاید، اگر مشکل‌تان حل نشد و به نتیجه مناسب نرسیدید آن جلسه حکم را اعلام می‌کنم...

می‌دانست و این ماجرا مرا آزار می‌داد. سانا: حرف شوهرش را قطع کرد و گفت: این دخالت نیست او صلاح ما را می‌خواهد، من نمی‌توانم به پدرم چیزی بگویم حتی اگر حرفش اشتباه باشد.

قاضی گفت: دخترتم این حرف شما اشتباه است حق با مهرداد است، خانواده‌ها نباید بیش از اندازه در زندگی فرزندان‌شان دخالت کنند. این دخالت باعث شده که تو الان اینجا باشی...

مهرداد گفت جناب قاضی اجازه بدهید من ماجرای اصلی را که با باعث شد به اینجایرسیم دقیق‌تر برایتان بگویم. مهریه همسرم ۲۰۰ سکه است، حالا پدر خانم به بالا رفتن قیمت سکه مدام به من می‌گوید باید مهریه را بدهی وگرنه طلاق دخترتم را می‌گیرم و سانا: هم هیچ اعتراضی به پدرش نمی‌کند. آقای قاضی، من همسرم را خیلی دوست دارم، هر چه خانواده‌اش گفتند من گفتمم، اما حالا پدرش قصد بر هم زدن‌گی ما را دارد. من یک کارمند ساده‌ام، حقوقم با اضافه کاری به ۵ میلیون تومان هم نمی‌رسد چطور مهریه‌اش را بدهم. قاضی رو به سانا: کرد و گفت دخترتم شوهرت درست می‌گوید. سانا: نگاهی



ازدواج کردند باید خودشان مستقل از نظر دیگران زندگی کنند و از دخالت‌های دیگران بخصوص دخالت خانواده جلوگیری کنند. این زوج باید اگر مشکلی هم در زندگی‌شان پیش می‌آید از یک فرد متخصص در زمینه خانواده کمک بگیرند. همچنین جوانان باید دقت کنند این روزها کمتر به دنبال تجمل و تعیین مهریه‌های سنگین باشند تا این گونه وسوسه نشوند که مهریه خود را دریافت کنند...

به‌خاطر احترام گذاشتن به بزرگترها حرفی نمی‌زد. اما اشتباه می‌کردم من توقع داشتم سانا: نسبت به این کارهای ما دخالت می‌کرد حتی توی انتخاب خانه و وساییش و من هم

دید من... با هزار بدبختی هزینه‌های عروسی را پرداخت کردم اما از همان روزهای اول پدر خانم در تمام ۵ ماه شد و زندگی مستقل‌مان را شروع کردیم، البته که مستقل نبود از

چیست.

مهرداد گفت: جناب قاضی تقریباً کل زمان آشنایی ما تا عقد و ازدواج ۵ ماه شد و زندگی مستقل‌مان را شروع کردیم، البته که مستقل نبود از